



عوامل سیاست‌زدگی در میان حوزویان

سیاست‌زدگی، از جمله مباحثی است که در کنار بحث انقلابی‌گری و ورود به عرصه سیاست مطرح می‌شود و با توجه به جایگاه والای حوزه‌های علمیه، بررسی پی‌آمدهای منفی و چالش‌برانگیز این امر اهمیت دوچندان می‌یابد. جامعه سیاست‌زده، جامعه‌ای است که همه امور را صرفاً و صد تحلیل می‌کند و افراد، حاضر نیستند اندکی از مواضع خود کوتاه آیند و خود را حق مطلق و طرف مقابل را باطل مطلق می‌پندارند. طبیعی است که در انتهای این نگره، افراد به تک‌اندیشی، تک‌گویی و یک‌سویه‌نگری درمی‌افتند و به دیگران، حق اظهار نظر نمی‌دهند. بنابراین، سیاست‌زدگی به همراه خود، جانب‌داری از یک‌باور و نگره سیاسی به طور مطلق و تحلیل‌های یک‌سویه می‌آورد. بر این اساس، پرسش اصلی این نوشتار، عوامل سیاست‌زدگی در میان حوزویان و راه‌کارهای برون‌رفت از آن است. در پاسخ، این فرضیه ارائه گردیده است که با توجه به اموری چون دگرگونی و انعطاف، جانب‌داری و قدرت‌خواهی و خواهش مشارکت در سیاست، هرچند با توجه به روحیه علم و پرهیزکاری، سیاست‌زدگی کمتر جای جولان می‌یابد؛ در برخی مواقع و در میان تعدادی از آنان به ویژه طلاب جوان، می‌توان عوامل سیاست‌زدگی را در اموری چون تحلیل‌های تقلیدی، خودحق‌پنداری و انحصارطلبی، تحلیل و رفتارهای افراطی و تفریطی و فعالیت‌های خلاف شرع و قانون پی‌جویی کرد و با روش‌هایی چون آگاهی‌بخشی علمی، گسترش سعه صدر و شکیبایی، تقویت روحیه اجتهاد و آزاداندیشی و تقویت اعتدال و عقلانیت، به برون‌رفت آنان از سیاست‌زدگی امیدوار بود.



سیدکاظم سیدباقری
دانشیار پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی

عوامل سیاست‌زدگی در میان حوزویان

پس از انقلاب اسلامی، در حوزه‌های علمیه تلاش بسیار شده است تا همراهی سیاست و دیانت، مستدل شود. به جز برخی موارد کم، این امر را می‌توان در میان طلاب جوان، پذیرفته شده تلقی کرد. حضور مسئولانه و مشفقانه در امر سیاست و تلاش برای همراهی دیگران، تلاشی بوده که انجام شده است؛ اما در کنار این مسئله، در میان افرادی که گاه آشنایی محدودی با منطق قدرت و سیاست دارند، رفتارهایی افراطی و متأثر از کنش سیاست‌بازان دیده شده و می‌شود، که حکایت از رفتارهای ناسالم، مبالغه‌آمیز، آسیب‌زا، غیرهنجارمند و غیراخلاقی دارد و می‌توان از آن به سیاست‌گریزی تعبیر کرد.

۱. تحلیل‌های تقلیدی

یکی از امتیازها و برتری‌های قدرت مطلوب در جامعه اسلامی، آن است که قدرتمندان، کارگزاران و گروه‌های سیاسی، از خواسته‌ها و آرزوهای شخصی خود گذر می‌کنند و در راستای برپایی قوانین الهی، رضای خداوندی و تأمین منافع ملی، قدم برمی‌دارند و با گذر از خویش و تمایلات نفسانی، بستر را برای حضور فعال و منتقدانه شهروندان و تأمین مصالح و منافع آنان فراهم می‌کنند. با این همه، امکان دارد که در جامعه اسلامی، افراد و

گروه‌هایی که به دنبال خواسته‌های خود و منافع گروهی هستند، روال امور را به گونه‌ای تنظیم کنند که دیگران به طور کامل، مطیع و سراپا حلقه به گوش آنان باشند. گاه این سودجویان، در میان طلاب که از اقشار دین‌داری و نسبتاً صاحب‌نفوذ جامعه به‌ویژه در میان اقشار مذهبی، به‌شمار می‌آیند، نفوذ کرده، از ابزار دین بهره می‌گیرند و تحلیل‌های جانب‌دارانه، افراطی و احساسی خود را به نام دین و به کام خود، به کسانی که دغدغه مذهبی و ذهنی پاک دارند، تحمیل می‌کنند و آنان را در راستای منافع حزبی خود به کار می‌گیرند. با این نگره است که تحلیل‌های افراطی، تقلیدی و یک‌جانبه در جامعه رواج می‌یابد و پیروان آن گروه‌ها، هیچ اعتنایی به هنجارها، ارزش‌ها، افکار و دغدغه‌های دیگران ندارند. طلبه یا فردی که

در این حلقه تقلید می‌افتد و از خود داده‌ای راستین و تحلیلی عقلی و فکرشده ندارد، سیاست‌زده‌ای است که منتظر نگرش‌های تندرانه و کندروانه دیگران می‌ماند.

۲. خود حق‌پنداری و انحصارطلبی

یکی از عوامل جدی سیاست‌زدگی، آن است که فرد در عرصه اعمال سیاست، خود را حق‌مطلق می‌انگارد و همه امتیازهای جامعه و قدرت را برای خود می‌خواهد و طرف مقابل را باطل مطلق می‌پندارد و او را از همه حقوق محروم می‌داند. درحالی‌که

یکی از امتیازها و برتری‌های قدرت مطلوب در جامعه اسلامی، آن است که قدرتمندان، کارگزاران و گروه‌های سیاسی، از خواسته‌ها و آرزوهای شخصی خود گذر می‌کنند و در راستای برپایی قوانین الهی، رضای خداوندی و تأمین منافع ملی، قدم برمی‌دارند و با گذر از خویش و تمایلات نفسانی، بستر را برای حضور فعال و منتقدانه شهروندان و تأمین مصالح و منافع آنان فراهم می‌کنند.

دنیای سیاست و اعمال قدرت، منعطف و سیال است. انحصارطلبی، باور و تلاشی است که فرد یا گروه، همه امتیازها و حقوق را برای خویش و هم‌پالکی‌های خود می‌خواهد و دیگران را شایسته آن حقوق ندانسته و از آنان، نفی می‌کند. خداوند در قرآن کریم، به جریان قدرت نامطلوب اشاره می‌کند که اگر این جریان، بهره‌ای از حکومت داشته باشند، خود را حق مطلق انگاشته و همه افراد و امکانات را به نحوی خودخواهانه در خدمت خود می‌خواهند:

«أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا»^۱

آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟

(اگرهم داشتند، همه چیز را در انحصار خود می‌گرفتند) و کمترین حقی حتی به قدر نقطه پشت هسته خرما، به مردم نمی‌دادند.

با تسلط این روحیه، افراد می‌پندارند که تنها خودشان حق اعمال قدرت بر دیگران را دارند.

با اذعان به این‌که بیشتر طلاب گرفتار این روحیه نیستند؛ اما برخی از روحانیونی که با سیاست‌زدگان و قدرت‌پرستان، همراه می‌گردند، تبدیل به کسانی می‌شوند که در عرصه سیاسی، خود را حق مطلق می‌شناسند و سیاست‌زدگانی تندرو می‌شوند که با تأسف، غالباً از مشرب دین و باورهای دینی سیراب می‌گردند؛

● این عامل سیاست‌زدگی، به دنبال خودتصورات و تحلیل‌های خطرناکی می‌آورد که می‌تواند از تکفیرها، تفسیق‌ها، تحقیرها و زیر پا گذاشتن بسیاری از حقوق و ارزش‌های اخلاقی سر درآورد. هرچند که خوشبختانه، در حوزه‌های علمیه با توجه به اقتدار روش اجتهادی و حضور مراجع، این گروه‌ها کمتر توانسته‌اند عرض اندام کنند و فضایی برای جولان آن‌ها در حوزه به وجود نیامده است.

● کمتر توانسته‌اند عرض اندام کنند و فضایی برای جولان آن‌ها در حوزه به وجود نیامده است.

۳. تحلیل و رفتارهای افراطی و تفریطی

در قرآن کریم، امت اسلام، امت «وسط» معرفی شده است:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۲ وسط، میانه امور و اعتدال در آن است.^۳ زمانی که برفرد، گروه یا جامعه‌ای، جهل حاکم شود، باید منتظر تندروی و کندروی و در نتیجه آن، سیاست‌زدگی بود. به فرموده امام علی علیه السلام: «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرِطًا»^۴.

در این موقعیت، نگاه افراطی و تفریطی به سیاست‌ورزی حاکم می‌شود و می‌تواند با ورود به عرصه عمل، فضایی آشفته و آسیب‌زننده را برای فرد و جامعه به همراه آورد. قانون می‌تواند

برای خروج از این وضعیت، راه‌کاری عملیاتی باشد؛ زیرا ویژگی قانون آن است که رفتارها را تنظیم می‌کند و از افراط و تفریط بازمی‌دارد. امام خمینی در این باره پافشاری داشت که باید همه جا قوانین اسلام حاکم باشد. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تندروی‌های برخی از انقلابیون و شبه انقلابیون و اعمال خلاف قانون آنان، ایشان می‌گوید: «اگر بنا باشد هر جا آدم برود ببیند که دائماً مردم دارند شکایت می‌کنند، من هم خسته دارم می‌شوم. خدا می‌داند که من در آن رژیم سابق هیچ وقت از هیچ چیز خسته نمی‌شدم. هر فشاری می‌آوردند بر من، خسته نمی‌شدم. حالا دارم از خودمان، خسته می‌شوم. آخر چرا باید این‌طور باشد. یک فکری بکنید. اگر دیر بجنبید، اسلام را در خطر تضییع و رفتن آبرویش قرار داده‌اید^۵». آن افراط‌ها و تفریط‌ها، چندان اثری داشته است که رهبر انقلاب، اظهار خستگی می‌کند. باری همه این امر آن‌جاست که افراط و تفریط و هیجان‌های انقلابی، افراد را به سیاست‌زدگی می‌کشاند و تحلیل‌ها و به تبع آن، رفتارهایی خلاف اعتدال و میانه‌روی، صورت می‌گیرد.

۴. فعالیت‌های خلاف شرع و قانون

قانون در هر جامعه‌ای مدار عمل و رفتار سیاسی و اجتماعی است. هرگاه قانون زیر پا گذاشته شود، آشفتگی، امور خلاف شرع و سیاست‌زدگی به همراه خود می‌آورد؛ اما با

ملاک نبودن قانون و رفتارهای خودسرانه که گاه از روی احساس مسئولیت و درد دین نیز می‌باشد، فرد و جامعه، سیاست‌زده می‌شود. از دیگر سو، شرع و دستوره‌های اسلامی، همواره بزرگ‌ترین مهار برای تنظیم روابط سیاسی - اجتماعی است. کسی که دستوره‌های الهی را مبنای کار خود قرار دهد و رفتار و گفتار خود را براساس آن‌ها انجام دهد، به سادگی دچار سیاست‌زدگی نمی‌شود و فرد، حق خود نمی‌داند که به دیگران تهمت زند، غیبت کند، آبروی دیگران را ببرد و بی‌پروا خلاف شرع و قانون، عمل کند.

امام خمینی، بی‌تقوایی عالمان دینی را عنصری آسیب‌زا معرفی می‌کند: «آن مقداری که اسلام از عالم‌های بی‌تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد.» یکی از اصلی‌ترین رویه‌های سیاست‌زدگی، زمانی است که افراد تصور می‌کنند برای تحقق فکر و پندار خود، می‌توانند دست به هر کاری بزنند و قانون کشور اسلامی را زیر پا بگذارند. رفتار خارج از روال شرعی و قانونی، از هر کس و به هر بهانه‌ای که باشد، یکی از مصادیق سیاست‌زدگی است و می‌تواند مورد سوءاستفاده دیگران قرار گیرد. از همین منظر است که ویژگی جامعه سیاست‌زده، آشفتگی، نبود تعامل و رفتار کارشناسی، قانون‌گریزی و رفتار خلاف شرع و در نهایت نبود آزاداندیشی و انسداد فکری تحلیل می‌شود.

● امام خمینی رحمته‌الله‌علیه با شناختی درست از اوضاع زمانه خود، با تأکید بر رشد و تکامل نسل جوان حوزه‌ها، می‌گفت: «شما نسل جوان حوزه‌های روحانیت باید زنده باشید و امر خدا را زنده نگه دارید. شما نسل جوانید، فکرتان را رشد و تکامل دهید.»^۹ وی تصریح می‌کرد که: «مردم، معمم نمی‌خواهند؛ مردم عالم می‌خواهند! این [عمامه] منتها علامت علم است...»

راه‌های برون‌رفت حوزویان از سیاست‌زدگی

بعد از شناخت اجمالی از عوامل سیاست‌زدگی، در این جا شایسته است که راه‌های برون‌رفت از این عوامل را بشناسیم، که آنچه در ادامه می‌آید، تلاشی است برای راه‌کارهایی جهت برون‌رفت از وضعیت ناشایست سیاست‌زدگی در میان برخی از حوزویان، که به ترتیب عبارت‌اند:

۱. آگاهی بخشی علمی

عمده مشکلات انسان، ناشی از ناآگاهی و عدم توجه همه‌جانبه به مسائل پیرامون و امور سیاسی - اجتماعی است، نگاه تک‌بعدی، انسان را از شناخت دقیق و عمیق بازمی‌دارد و به بازی سیاست‌بازان و قدرت‌جویان گرفتار می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم در امر اعمال قدرت و امور اجتماعی و سیاسی، بر علم و دانایی تأکید بسیار دارد که پایه همه حرکت‌ها و تکاپوهاست. در کلام الهی، بر ارجمندی جایگاه دانش تأکید شده است:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۷

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند. و در آیه‌ای در بلندمرتبه‌گی عالمان مؤمن می‌فرماید:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

دَرَجات»^۸

خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد.

امام خمینی رحمته‌الله علیه با شناختی درست از اوضاع زمانه خود، با تأکید بر رشد و تکامل نسل جوان حوزه‌ها، می‌گفت: «شما نسل جوان حوزه‌های روحانیت باید زنده باشید و امر خدا را زنده نگه‌دارید. شما نسل جوانید، فکرتان را رشد و تکامل دهید.»^۹ وی تصریح می‌کرد که: «مردم، معمم نمی‌خواهند؛ مردم عالم می‌خواهند! این [عمامه] منتها علامت علم است. اگر

یک وقت، خدای نخواستہ حوزه‌های علمیہ ما سست شدند در تحصیل، سست شدند در این که فقاہت را تقویت بکنند، بدانند که این یک خیانت بزرگی به اسلام است.»^{۱۰} با توجه به این نکته است که باید «آگاهی سیاسی، بینش سیاسی و در معرض سیاست‌بازی سیاست‌بازان قرار گرفتن» را از هم تشخیص داد.

۲. سعه صدر و شکیبایی

یکی از جدی‌ترین عواملی که افراد به سادگی در دام سیاست‌زدگی می‌افتند، نبود سعه صدر، ناشکیبایی و عدم تحمل دیگران است؛ روحیه‌ای که انسان را از مسیر گفت‌وگو، تعادل و اعتدال خارج می‌سازد. متأسفانه آن‌گاه که عنصر تدین در این امر وارد می‌شود، مسئله پیچیده‌تر

شده و فرد می‌انگارد که با شتاب‌زدگی در تصمیم و عمل، انجام وظیفه دینی می‌کند. چنین است که گاه حق و ناحق، راست و دروغ، سره و ناسره در هم می‌آمیزد و فرد در فوران احساسات، مسیر را گم می‌کند. در مقابل این روند، فضیلتی بزرگ به نام سعه صدر و شکیبایی وجود دارد که خدا نسبت به پیامبرگرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«الْمُتَّسِرِّحُ لَكَ صَدْرُكَ»؛

آیا سینه‌ات را گشاده نکردیم؟^{۱۲}

یا از خواسته‌های حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در کوه طور آن است که:

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»^{۱۳}

و خداوند هدایت‌گری را در کنار شرح صدر می‌آورد:

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ

يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ»؛^{۱۴}

هرکس را خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید و هرکس را که بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را تنگ و سخت می‌نماید؛ گویا می‌خواهد به آسمان بالا رود.

ویژگی انسان دارای شرح صدر آن است که زود تحت تأثیر منافع سیاست و مطامع دنیا قرار نمی‌گیرد؛ ولذا «هرچه از کمال و جمال و مال و منال و دولت و حشم در خود ببیند، به آن اهمیت ندهد.»^{۱۵}

پس او احساساتی نیست و به شکیبایی، دیدگاه دیگران را تحمل می‌کند و آنان به صرف این که با او مخالف‌اند، شایسته ذم و نکوهش نمی‌داند. چه رسد به آن که بخواهد با آنان، برخورد عملی یا شدید کند.

۳. تقویت اعتدال و عقلانیت

عدل در مفهوم اخلاقی و فردی آن، زیربنای همه عدالت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. غالباً سیاست‌زدگی ناشی از ناعدالتی‌های انسان است که گاه در تبعیت بی‌قید و شرط از گروه‌های سیاسی جلوه می‌کند؛ اما هنگامی که انسان در رویکردی اعتدالی، رهبری جان و روان خویش را به عقل می‌سپارد و از دستاوردها و دستوره‌های حکمت نظری پیروی می‌کند،

به فهمی عالمانه و میانه‌روی مطلوب دست می‌یابد و با این سرمایه، وارد اجتماع می‌شود. علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید که: «یکی از فضایل چهارگانه انسان، علاوه بر حکمت، پاک‌دامنی و قدرت، عدالت است که بنیان و استواری آن در اعتدال قوای جان است.»^{۱۶}

اصل محوری انقلابی بودن حوزویان، همیشه همراه با تدین، حفظ ارزش‌ها و رویارویی با ستم و ستمگر بوده است و این که طلاب و روحانیون، تلاش خود را برای قدرت و قدرت‌پرستی یا قدرت‌گرایی دیگران صرف نکرده‌اند و دین خود را قربانی

یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای پایان دادن و کم‌کردن درصد سیاست‌زدگی در بین حوزویان، تقویت روحیه اجتهاد، آزاداندیشی و رواج انصاف‌ورزی در تحلیل‌ها و گفت‌وگوهاست. در گستره تاریخ، روش اجتهاد همیشه همراه با روحیه آزادفکری و تبعیت از برهان بوده است. حوزویان با غلبه این روحیه، کمتر دچار احساسات بی‌پایه و پیروی از استدلال‌های سست می‌شده‌اند؛ آن‌گونه که همین روش، روحیه تحمل و مدارای با مخالفان فکری خود را به آنان آموخته است.

دنیای دیگران قرار نساخته‌اند، گویی این گفته نورانی همیشه در پیش چشم امام خمینی و یاران او بوده است که:

«سُرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاہِ وَ سُرُّ مَنْ ذَلِکَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَیْرَہِ»^{۱۷}

بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد؛ و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد.

در این میانه، منفعت و مصلحت جامعه اسلامی، حاکمیت قوانین الهی، معنویت و تقوا در کنار اعتدال و عقلانیت، حضوری جدی و همیشگی در میان انقلابیون و فعالیت‌های سیاسی آنان داشته و همین روحیه بوده است که آنان را از گروه‌های التقاطی مانند فرقان جدا کرد. با توجه به پی‌آمدهای منفی و خطرناک فکری و عملی افراط و تفریط است که رهبران جریان انقلابی در حوزه‌های علمیه، همواره طلاب را از رفتارهای افراطی و تفریطی، پرهیز داده است. با توجه به همین رویکرد، امام خمینی یکی از کسانی بود که به جد تقویت اعتدال و رهایی از افراط و

تفریط را به طلاب حوزه‌های علمیه دنبال می‌کرد. ایشان با ارسال نامه‌ای به آیه‌الله مشکینی چنین نوشت که: «شما از قول من به فرزندان انقلابی‌ام بفرمایید که تندروی عاقبت خوبی ندارد.»^{۱۸} ایشان هم چنین در نامه‌ای به شورای مدیریت حوزه‌های علمیه، تأکید دارد که: «به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که سعی کنند تندروی

نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد.»^{۱۹}

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز با هشدار نسبت به خطر انقلاب زدایی از حوزه‌ها، بر این امر تأکید دارد که: «بارها گفته و باز تکرار می‌کنم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط» و سپس مخالفت خود را با کسانی که از روی بی‌انضباطی به دانشگاه حمله می‌کنند، اعلام کرده و می‌گوید: «این کار با هرنامی انجام بگیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام بگیرد، غلط است. اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام بگیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته‌ام که در اجتماعات کسانی که مخالف‌اند، هیچ‌کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد.»^{۲۰} لذا باید رفتارهای غیرعقلی و نامنصفانه را کناری نهاد و به جای آن، عقلانیت، اعتدال و مدارای سیاسی که در تقابل با سیاست زدگی است، جای‌گزین کرد.

۴. تقویت روحیه اجتهاد و آزاداندیشی

یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای پایان دادن و کم کردن درصد سیاست‌زدگی در بین حوزویان، تقویت روحیه اجتهاد، آزاداندیشی و رواج انصاف‌ورزی در تحلیل‌ها و گفت‌وگوهاست. در گستره تاریخ، روش اجتهاد همیشه همراه با روحیه آزادفکری و تبعیت از برهان بوده است. حوزویان با غلبه این روحیه، کمتر دچار احساسات بی‌پایه و پیروی از استدلال‌های سست می‌شده‌اند؛ آن‌گونه

یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای پایان دادن و کم کردن درصد سیاست‌زدگی در بین حوزویان، تقویت روحیه اجتهاد، آزاداندیشی و رواج انصاف‌ورزی در تحلیل‌ها و گفت‌وگوهاست. در گستره تاریخ، روش اجتهاد همیشه همراه با روحیه آزادفکری و تبعیت از برهان بوده است.

که همین روش، روحیه تحمل و مدارای با مخالفان فکری خود را به آنان آموخته است. به نظر می‌رسد؛ سرایت این روش و روحیه از کاوش‌های علمی به عرصه عملی و سیاست، می‌تواند راه‌کاری استوار در جهت پرهیز از سیاست‌زدگی باشد. همان‌گونه که آزاداندیشی، نقد منصفانه و مستدل، سنت همیشگی حوزه‌های علمی بوده است، امروزه نیز می‌توان با رواج همان روحیه، جلوی آسیب‌های احتمالی ناشی از سیاست‌زدگی را گرفت. واقعیت به ما می‌گوید که سیاست‌زدگی، گرایش کامل و غیرمستدل به یک جریان سیاسی یا اندیشه یا فرد خاصی است؛ حال آن‌که «آزادی فکر، این است که انسان در فکرش آزاد و بدون این‌که متمایل به یک طرف

باشد، فکر بکند.»^{۲۱} فکر آزاد طالب علم، دین را از گرویدن بی‌منطق و سطحی به گروه‌های سیاسی و جانب‌داری از آنان به هر قیمت، باز می‌دارد. با آزاداندیشی و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده، باید مسیر رقابت‌ها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط پاک نمود.^{۲۲}

امام خمینی رحمته‌الله علیه با به رسمیت شناختن اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها، تأکید دارد

در گذر زمان، آزاداندیشی، نقادی، اعتراض علمی و مباحثه چالشی، ویژگی حوزه‌ها بوده است؛ بدون آن‌که یکی از طرفین به تکذیب، تفجیر، تفسیق یا تکفیر دیگری پردازد؛ اما با تأسف باید گفت که این روش، وارد عرصه مناقشات سیاسی نشده است و کمتر زمانی رخ داده است که در فضایی کاملاً علمی و منطقی، نمایندگان دو اندیشه و جریان سیاسی رو در روی هم قرار گرفته باشند و دیدگاه خود را در فضایی استدلالی و آرام، نقد و بررسی کرده باشند. نفس این مناظره‌های علمی - سیاسی، جلوی بسیاری از سیاست‌زدگی‌ها را می‌گیرد.

که: «امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد تا این امور، دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هرکس در فضای ذهن و ایده‌های خود، نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولان انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر، نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات، به حساب مدیریت و مسئولان گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است.»^{۲۳} با همین نگرش

است که امام خمینی، درمندان جریان تاجر را که مظهر تفکر بسته‌اند و حاضر به پذیرش دیگران نیستند، چنین معرفی می‌کند که: «عده‌ای مقدس‌نمای واپس‌گرا، همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آن‌ها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.»^{۲۴} سنگ بنای تاجر از آن جا آغاز می‌شود که فکر و

برداشت خود را حق می‌داند و دیگران را باطل و خارج از دایره شریعت! با این پندار، عقلانیت که با گفت‌وگو و تبادل اندیشه، گسترده می‌شود، از جامعه رخت برمی‌بندد؛ آن هم گفت‌وگویی که با آزادی، معنادار و ممکن می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تلاش شد تا رویکرد استقرایی برخی از عوامل سیاست‌زدگی در میان حوزویان بررسی گردد و بیان شد که عواملی مانند

تبعیت بی‌چون و چرا، خودحق‌پنداری، انحصارطلبی، تحلیل‌های تندروانه و فعالیت‌های خلاف شرع و قانون در این میان، نقش اساسی بازی می‌کنند و با راه‌کارهایی برای رویارویی با این پدیده بیان شد. با توجه به آنچه که ذکر شد، چند نکته کلیدی بیان می‌شود که شاید برخی از زوایای پیدا و پنهان این بحث را بیشتر آشکار سازد:

۱. باید توجه داشت که دو سرطیف افراط و تفریط، هر دو خطرناک است.

۲. انقلابی‌گری به ویژه در حوزه‌ها، باید مرزی شفاف و دقیق در برابر تندروی داشته باشد. با این مرکزگی‌هاست که انقلابی‌گری در کنار شاخص‌هایی چون عقلانیت، قانون‌گرایی و تقوای سیاسی - اجتماعی، معنایی روشن می‌یابد و راهبر حوزه‌ها به سوی اهداف مطلوب خواهد بود.

۳. به نظر می‌رسد که اقتدار مدنی حوزه‌ها

●

انقلابی‌گری به ویژه در حوزه‌ها، باید مرزی شفاف و دقیق در برابر تندروی داشته باشد. با این مرکزگی‌هاست که انقلابی‌گری در کنار شاخص‌هایی چون عقلانیت، قانون‌گرایی و تقوای سیاسی - اجتماعی، معنایی روشن می‌یابد و راهبر حوزه‌ها به سوی اهداف مطلوب خواهد بود.

و روحانیت، امری است که نباید کم‌رنگ و شکسته شود؛ درحالی‌که با کژکارکرد سیاست‌زدگی، اقتدار مدنی حوزه، سست شده و آن را زیر سؤال می‌برد و به اقتداری که همواره در میان مردم جایگاهی بلند داشته و دارد، خدشه وارد می‌کند و عالم روحانی که همیشه پناه مظلومان، ستم‌دیدگان و بی‌پناهان بوده است، شأن و منزلتی پایین در حد یک جریان کوچک یا بزرگ سیاسی می‌یابد؛ جریان‌هایی که غالباً در پی

کسب قدرت خویش‌اند. حوزویان هم‌چنان باید به دور از بازی سیاست‌حزب، به طور مستقل در امر سیاست ورود کنند.

۴. در گذر زمان، آزاداندیشی، نقادی، اعتراض علمی و مباحثه چالشی، ویژگی حوزه‌ها بوده است؛ بدون آن‌که یکی از طرفین به تکذیب، تفجیر، تفسیق یا تکفیر دیگری پردازد؛ اما با تأسف باید گفت که این روش، وارد عرصه مناقشات سیاسی نشده است و کمتر زمانی رخ داده است که در فضایی کاملاً علمی و منطقی، نمایندگان دو اندیشه و جریان سیاسی رو در روی هم قرار گرفته باشند و دیدگاه خود را در فضایی استدلالی و آرام، نقد و بررسی کرده باشند. این مناظره‌های علمی - سیاسی، جلوی بسیاری از سیاست‌زدگی‌ها را می‌گیرد.

۵. واقعیت آن است که سیاست در دنیای امروز، غالباً به دور از ادب و آداب اسلامی است. گروه‌ها و احزاب برای رسیدن به اهداف خود، گاه به طور

ناگفته و نانوشته براین باورند که هدف، وسیله را توجیه می‌کند؛ پس برای رسیدن به قدرت، هر کاری انجام می‌دهند و هرآنچه را که به نفع خویش می‌انگارند، می‌گویند و مهار و معیارهای بزرگی چون تقوا، اخلاق و ارزش‌های اسلامی - انقلابی و انسانی، فراموش شده است. پس در این نگرش، انقلابی بودن، در کنار تدبیر و ورع تعریف می‌شود و هیچ‌گاه معنویت و تقوا فراموش نمی‌شود؛ اصولی بنیادین که فرد و نهاد را از سیاست‌زدگی دور می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نساء، آیه ۵۳.
۲. بقره، آیه ۱۴۳.
۳. ابراهیم مصطفی، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۰۳۰.
۴. نهج البلاغه، حکمت ۶۷.
۵. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ص ۳۱۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۹، ج ۱۱.
۶. همان، ج ۱۸: ص ۱۰۰.
۷. زمر، آیه ۹.
۸. مجادله، آیه ۱۱.
۹. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ص ۱۱۷، ۱۳۸۱.
۱۰. همان، ص ۲۱۹، ۱۳۸۹، ج ۱۵.
۱۱. رک: بیانات رهبر معظم انقلاب آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰.
۱۲. انشراح، آیه ۱.
۱۳. طه، آیه ۲۵.
۱۴. انعام، آیه ۱۲۵.
۱۵. امام خمینی، روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۳۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۸.
۱۶. «الفضائل أَرْبَعَةٌ أجناس: أحدها الحكمة وقوامها فی الفكرة، والثانی العفة وقوامها فی الشهوة، والثالث القوة وقوامها فی الغضب، والرابع العدل وقوامه فی اعتدال قوى النفس» (مجلسی، محمدباقر، ص ۸۱، ۱۳۹۲، ج ۷۸).
۱۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۳.
۱۸. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۶۷.
۱۹. همان، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۴/۲۱.
۲۱. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۸۰.
۲۲. موسوی خمینی، ۱۳۹۰، همان: ۹۴.
۲۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳.
۲۴. همان، ص ۲۷۸.